راه

حیاتی، وحید

برنامه‏های مناسبتی در میان انواع برنامه‏های صداوسیما،بی‏شک تعریف خاص خود را ندارد؛اما در یک بیان کلی،می‏توان به برنامه‏هایی اشاره کرد که به بهانهء اعیاد مذهبی و سوگواری‏ها،در جهت‏ ارتقای سطح فرهنگی جامعه،در خصوص مضامین مذهبی و دینی،ساخته و پخش می‏شوند و مطمئنا در آن ایام،درصد بالایی از زمان پخش و بالطبع،بودجه را نیز به خود اختصاص می‏دهند.در این‏ میان،برنامه‏های ماه مبارک رمضان جای خاصی را برای خود باز کرده‏اند که در چند سالهء اخیر،روند رو به رشد برنامه‏های ترکیبی و نمایشی در هر شبکه،در مجموع افزایش قابل توجهی را نشان داده‏ است.دست‏اندرکاران هر شبکه نیز می‏کوشند در ماه مبارک،با تهیه و پخش آن برنامه‏ها،به ویژه‏ سریال‏هایی با مضامین مذهبی،گوی سبقت را از دیگر شبکه‏ها بربایند و سریالی ارائه کنند باب طبع‏ مردم و صد البته پرمخاطب!

ولی در یک بازنگری همراه با تأمل،در آثار تولید شده با چنین محتوایی در ماه رمضان گذشته و دیگر آثار مناسبتی در دیگر ایام سال،به‏نظر می‏رسد علل متعددی دست‏به‏دست هم داده‏اند که‏ موضوعات سریال‏های مناسبتی با کمبودها و کاستی‏های بسیار به تصویر کشیده شوند که فارغ از ایجاد سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت بینندگان،بی‏تردید تأثیرات متعدد و متقاوتی بر فرهنگ مذهبی‏ جامعه خواهند نهاد که می‏تواند از سوی کارشناسان فن،مورد بررسی قرار گیرد.البته امید می‏رود از طرف شبکه‏های مختلف سیما،در زمینهء تحلیل و بررسی آن برنامه‏ها،تلاش و کوشش لازم صورت‏ بگیرد و مسئولان سعی و اهتمام خود را در رفع کاستی‏های آثار ارائه شده،در سالهای بعد،به کار گیرند.در این میان،به‏نظر می‏رسد یادآوری دو نکته بتواند راهگشای رفع برخی کاستی‏ها باشد.

نکته اول که به‏نظر می‏رسد بیشتر به بخش تصمیم‏گیران تهیه‏وتولید یرنامه‏ها مربوط باشد، عبارت است از دوره‏ای نگریستن به فرآیند تهیه و تولید برنامه‏های مناسبتی؛بدین‏مفهوم که اینان کوشش بسیار می‏کنند تا برنامه‏های سازمان در فرآیند ایده،طرح،تحقیق،نگارش فیلم‏نامه،تصویب‏ و...قرار گیرند؛اما گویا برنامه‏های مناسبتی،به خصوص برنامه‏های ویژه ماه مبارک،زمان بسیار کوتاهی از این فرآیند را به خود اختصاص می‏دهند و حتی تولید آنها تا نیمه‏های ماه مبارک ادامه می‏ یابد.مسلما این شتابزدگی،عنان تفکر را از صاحبان فکر و تولیدکنندگان می‏رباید و در مراحل‏ اندیشیدن به موضوع برنامه و ابعاد آن که اهمیت آن بر همگان واضح است،تحقیق و بررسی کافی‏ انجام نمی‏پذیرد.در نتیجه،برنامهء تولید شده،ناکارآمد و ناهمخوان،با اهداف از پیش تعیین شده،به‏ پخش می‏رسد.

نکتهء دیگری که درواقع،ارتباط و همبستگی جدی با پدیدهء فوق دارد،کارشناسی مذهبی است که‏ در چند سال اخیر،در امر برنامه‏سازی با موضوعات دینی،رایج شده است؛اما افسوس که از اهمیت‏ آن،تا حد نامی در تیتراژ،کاسته شده است.وقتی در حیطهء مضامین مذهبی و دینی،فرآیند طرح و تصویب و نگارش انجام می‏پذیرد،برای بررسی به سمع‏ونظر کارشناس مذهبی می‏رسد.با تحلیل‏ اثر و تذکر کاستی‏ها و نواقص آن،شاید تنها برخی نکات ظاهری اثر که به چهارچوب کلی آن خللی‏ وارد نکند،مورد اصلاح قرار می‏گیرد و از باقی اشکالات،به سادگی چشم می‏پوشیم که مطمئنا هدف‏ پایه‏گذاران چنین امری،از ابتدا این نبوده است.باید پذیرفت که امر تصویب یک طرح و فیلم‏نامه با مضمون دینی،در حد و اندازهء یک نگاه ارزیابانه پایین آمده است.مشکلات این کم‏توجهی نیز در تولید سریال‏ها،مشهود است که در بیشتر مواقع،عدم اطلاع صحیح و کم‏دقتی دست‏اندرکاران تهیه آن‏ برنامه در بیان برخی مفاهیم،موجب ناکارآمدی آن گردیده است.

همان‏گونه که در مباحث پزشکی،روان‏شناسی،جامعه‏شناسی و...به کارشناسان آن امور مراجعه می‏ کنیم و در روند تحقیق و پژوهش موضوع و فیلم‏نامهء مرتبط با آنها،از نظرات ایشان بهره‏مند می‏شویم، امور مذهبی و دینی نیز بالطبع،کارشناسانی دارند که می توان در فرآیند شکل‏گیری ایده و ارائه طرح، تحقیق و نگارش فیلم‏نامه در این موضوعات،از آنان بهره جست تا اثر ارائه شده بتواند به بهترین وجه، میان نویسنده،کارگردان و مخاطب،ارتباط برقرار کند و به درجهء بالاتری از اعتبار و سطح مقبولیت‏ دست یابد.در این میان،کم نیستند کارشناسان مذهبی آشنا به رسانه که می‏توان به سهولت،به‏ بخش‏هایی از سازمان مراجعه کرد و اثر را در ابتدای شکل‏گیری،در این محیطها که جهت پژوهش‏ در این امور ایجاد شده است به سامان رسانید تا در مسیر ایده،طرح و تصویب،کارشناسی صحیح‏ انجام پذیرد.امید است توجه به این امور،آثار پربارتری به بارآورد که مطلوب همهء اعضای‏ خانوادهء بزرگ صداو سیما،از سطح مدیریت تا اعضای کوچک آن باشد.